

www.ketab.ir

[افزایش هوش مالی]

نویسنده: رابرت تی کیوساکی

مترجم: سولماز موثق ایرانق

پارسیک

سرشناسه: کیوساکی، رابرت تی، ۱۹۴۷ - م. Kiyosaki, Robert T.
عنوان و نام پدیدآور: ارتقای هوش مالی، رابرت کیوساکی؛ مترجم سولماز موثق ایرانلق
مشخصات نشر: قم: یارنیک، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص: مصور، جدول: ۵/۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک: ۸-۱۳-۸۴۰۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: عنوان اصلی: Rich dad's increase your financial IQ: getting richer by getting smarter, 2015.

موضوع: امور مالی شخصی -- دستنامه ها، etc. Handbooks, manuals, etc. Finance, Personal --

امور مالی شخصی Finance, Personal

شناسه افزوده: موثق ایرانلق، سولماز، مترجم

رده بندی کنگره: HG1W9

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۲۲۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۷۴۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فایا

یارنیک

افزایش هوش مالی

نویسنده: رابرت تی کیوساکی
مترجم: سولماز موثق ایرانلق
ناشر: یارنیک
ناظر فنی چاپ: علی قربانی
طراح جلد: علیرضا حسن زاده
صفحه آرایی: زیبا کتاب
تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۸-۱۳-۸۴۰۶-۶۲۲-۹۷۸
قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

۰۹۱۲۷۵۹۹۴۰۴

YarnikPub

www.YarnikPub.ir



برگ نوشت

۵	پیشگفتار
۷	یادداشت نویسنده
۱۰	مقدمه
۱۴	فصل اول: هوش مالی چیست؟
۳۴	فصل دوم: پنج ضریب هوش مالی
۴۶	فصل سوم: ضریب هوش مالی شماره ۱: افزایش درآمد
۶۵	فصل چهارم: هوش مالی شماره ۲: محافظت از پول
۸۹	فصل پنجم: هوش مالی شماره ۳: بودجه بندی پول
۱۱۵	فصل ششم: هوش مالی شماره ۴: استفاده اهرمی از پول
۱۴۸	فصل هفتم: هوش مالی شماره ۵: افزایش اطلاعات مالی
۱۷۱	فصل هشتم: یکپارچگی مالی
۱۸۲	فصل نهم: پرورش نبوغ مالی
۲۱۱	فصل دهم: پرورش هوش مالی
۲۲۰	رابرت تی. کیوساکی
۲۲۲	باشگاه های جریان نقدینگی
۲۲۳	حکمت پدر پول دار
۲۲۳	قدرت کلمات

پیشگفتار

من برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ با رابرت کیوساکی آشنا شدم. دو سال بعد در ۲۰۰۶ کتاب پرفروشی را با هم نوشتیم. اکنون که به سال ۲۰۰۸ نزدیک می‌شویم، برایم روشن‌تر از همیشه است که مباحث و آموزش‌های رابرت از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقطع زمانی، آموزش مالی برای کشور ما حیاتی است و توانایی‌های رابرت در این زمینه غیرقابل انکار است.

فقط کافی است به آنچه در کتابمان، "چرا می‌خواهیم شما ثروتمند باشید"، مطرح کردیم نگاهی بیندازید و سپس به وقایعی که از آن زمان رخ داده است توجه کنید. می‌توانم بگویم که ما به خوبی می‌دانستیم درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم. رابرت با کتاب "افزایش هوش مالی پدر ثروتمند" یک قدم جلوتر می‌رود و من به شدت معتقدم که او نیز به اندازه ما در سال ۲۰۰۶ پیش‌بینی‌های دقیقی خواهد داشت. به شما توصیه می‌کنم به آنچه او می‌گوید توجه کنید.

من و رابرت نگرانی‌های مشترکی داریم و در مسیرهای مشابهی به عنوان معلم و کارآفرین پیش می‌رویم. هر دو ما پدرانی ثروتمند داشتیم که در شکل‌گیری زندگی، روحیه و موفقیت‌های متعدد ما نقش بسزایی ایفا کردند. ما هر دو در زمینه کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در حوزه املاک فعال هستیم و موفقیت‌مان به دلیل برخورداری از آموزش مالی حاصل شده است. ما به اهمیت این موضوع واقفیم و در زمینه سواد مالی جدی هستیم. رابرت می‌گوید: "آموزش مالی به افراد این امکان را می‌دهد که اطلاعات مالی را پردازش کرده و به دانش تبدیل کنند... و بیشتر مردم آموزش مالی لازم برای کنترل زندگی‌شان را ندارند." من نیز به شدت با این نظر موافقم.

یکی از نکاتی که بلافاصله درباره رابرت متوجه شدم این است که او هرگز به راحتی قانع نمی‌شود. او در حال حاضر بسیار موفق است، زیرا به کارش عشق می‌ورزد. این یکی

دیگر از ویژگی‌های مشترک ماست. شما خوش شانس هستید، زیرا او مشاوره‌های بسیار ارزشمندی ارائه می‌دهد. همان‌طور که در کتاب "چرا می‌خواهیم شما پول‌دار باشید" گفتم، چه فایده‌ای دارد که دانش عالی داشته باشید و آن را برای خود نگه دارید؟ رابرت با هر کتابی که می‌نویسد به این سؤال پاسخ می‌دهد و شما خوش شانس هستید که او این دانش را با شما به اشتراک می‌گذارد.

یکی از اولین گام‌ها برای ثروتمندتر شدن هوشمندتر شدن در مدیریت مالی، و بهره‌برداری از فرصت‌ها در زمان مناسب است. در حال حاضر شما یک فرصت عالی در اختیار دارید. توصیه من به شما این است که کتاب "پدر پول‌دار، هوش مالی خود را بالا ببرید" را بخوانید و به آن توجه کنید تا به سمت استقلال مالی و موفقیت‌های بزرگ هدایت شوید. راستی، فراموش نکنید که بزرگ فکر کنید. ما شما را در جمع برندگان خواهیم دید.

دونالد جی. ترامپ

یادداشت نویسنده

پول پلید نیست

یکی از بزرگ‌ترین ناکامی‌های نظام آموزشی، عدم ارائه آموزش‌های مالی به دانش‌آموزان است. به نظر می‌رسد که معلمان بر این باورند که پول نوعی آلودگی شبه‌مذهبی یا فرقه‌ای دارد و معتقدند که عشق به پول ریشه تمام شرارت‌هاست.

اما همان‌طور که بسیاری از ما می‌دانیم، شرارت در عشق به پول نیست، بلکه کمبود آن است که باعث بروز شرارت می‌شود. کار کردن در شغلی که از آن متنفر هستیم، شر است. سخت کار کردن اما ناتوانی در تأمین نیازهای خانواده، شر است. برای برخی، در بدهی عمیق بودن شر است. دعوا کردن با عزیزان به خاطر پول، شر است. طمع ورزیدن شر است و ارتکاب اعمال غیرقانونی یا غیراخلاقی برای کسب پول، شر است. خود پول پلید نیست؛ پول فقط پول است.

خانه شما دارایی‌تان محسوب نمی‌شود

کمبود آموزش مالی باعث می‌شود که افراد کارهای نادرستی انجام دهند یا توسط افراد نادان فریب بخورند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۷، زمانی که من برای اولین بار کتاب "پدر پول‌دار، پدر بی پول" را منتشر کردم و بیان کردم که "خانه شما دارایی‌تان محسوب نمی‌شود... خانه شما یک بدهی است"، اعتراضات شدیدی به پا شد. کتاب من و خودم به شدت مورد انتقاد قرار گرفتیم.

بسیاری از کارشناسان مالی پر ادعا در رسانه‌ها به من حمله کردند. اما ده سال بعد، در سال ۲۰۰۷، زمانی که بازارهای اعتباری فروپاشید و میلیون‌ها نفر در وضعیت مالی بحرانی قرار گرفتند و عده بسیاری خانه‌های خود را از دست دادند، برخی ورشکسته شدند و دیگران

بیشتر از ارزش واقعی خانه‌هایشان بدهکار شدند در حالی که قیمت املاک کاهش یافته بود، این افراد به طور دردناکی متوجه شدند که خانه‌هایشان در واقع بدهی آنهاست، نه دارایی‌شان.

دو مرد، یک پیام

در سال ۲۰۰۶، من و دوستم دونالد ترامپ کتابی با عنوان "چرا می‌خواهیم شما پول‌دار باشید" نوشتیم. در این کتاب به دلایل عقب‌ماندگی طبقه متوسط و عواملی که به این کاهش منجر شده بود، پرداختیم. ما بیان کردیم که بسیاری از این عوامل به بازارهای جهانی، دولتی و مالی مربوط می‌شود. این کتاب همچنین مورد انتقاد رسانه‌های مالی قرار گرفت. اما تا سال ۲۰۰۷، بیشتر آنچه که گفته بودیم به حقیقت پیوست.

مشاوره منسوخ

امروزه بسیاری از کارشناسان مالی همچنان توصیه می‌کنند: "سخت کار کنید، پول پس انداز کنید، از زیر بار بدهی خارج شوید، پایین‌تر از حد توان مالی خود زندگی کنید و در یک سبد متنوع از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری کنید." مشکل این توصیه این است که این مشاوره نادرست است؛ زیرا منسوخ شده است. قوانین پول تغییر کرده‌اند. این تغییرات از سال ۱۹۷۱ آغاز شد. امروز با نوع جدیدی از نظام سرمایه‌داری مواجه هستیم. پس‌انداز پول، خروج از بدهی و تنوع‌بخشی در سبد سرمایه‌گذاری برای دوران نظام سرمایه‌داری قدیم مفید بود. افرادی که به شعار "سخت کار کن و پول پس انداز کن" در دوران نظام سرمایه‌داری قدیم پایبند هستند، در دوران نظام سرمایه‌داری جدید با مشکلات مالی مواجه خواهند شد.

اطلاعات در مقابل آموزش

به نظر نویسنده، نبود آموزش مالی در سیستم‌های آموزشی ما یک ننگ ظالمانه و شرم‌آور است. در دنیای امروز، آموزش مالی برای بقا ضروری است، چه ما پول‌دار باشیم و چه بی‌پول، چه باهوش باشیم و چه کم‌هوش.

همان‌طور که اکثر ما می‌دانیم، اکنون در عصر اطلاعات زندگی می‌کنیم. مشکل این عصر، بار اطلاعاتی بیش از حد است. امروزه اطلاعات بسیار زیادی وجود دارد. معادله زیر توضیح می‌دهد که چرا آموزش مالی این قدر اهمیت دارد.

اطلاعات + آموزش = دانش

بدون آموزش مالی، افراد نمی‌توانند اطلاعات را به دانش مفید تبدیل کنند. عدم آگاهی مالی باعث می‌شود که افراد در مسائل مالی با مشکلاتی مواجه شوند. برای مثال، ممکن است خانه‌ای بخرند و تصور کنند که آن خانه یک دارایی است. یا ممکن است پول پس‌انداز کنند، غافل از این که از سال ۱۹۷۱ به بعد، پول آن‌ها دیگر پول نیست بلکه یک ارز است. همچنین ممکن است تفاوت بین بدهی خوب و بدهی بد را ندانند، یا ندانند چرا افراد ثروتمند بیشتر درآمد دارند اما مالیات کمتری پرداخت می‌کنند. یا اینکه چرا وارن بافت، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار جهان، روی یک سبد متنوع سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

پرش موش‌های صحرایی

بدون داشتن دانش مالی، افراد به دنبال کسی می‌گردند که به آن‌ها بگوید چه کار کنند و آنچه که بیشتر کارشناسان مالی توصیه می‌کنند، این است که سخت کار کنند، پول پس‌انداز کنند، از زیر بار بدهی‌ها خارج شوند، پایین‌تر از حد توان مالی خود زندگی کنند و در یک سبد سرمایه‌گذاری متنوع از صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری کنند. مثل موش‌های صحرایی که چشم بسته از رهبر خود پیروی می‌کنند، آن‌ها به سمت لبه پرتگاه می‌دوند و به درون اقیانوس عدم قطعیت مالی می‌پرند، با امید اینکه بتوانند به آن سوی آب‌ها شنا کنند.

این کتاب درباره مشاوره مالی نیست

این کتاب به شما نمی‌گوید که چه کار کنید. این کتاب به مشاوره مالی مربوط نمی‌شود. هدف این کتاب این است که شما را در زمینه مالی هوشمندتر کند تا بتوانید اطلاعات مالی خود را پردازش کنید و راه خود را به سوی موفقیت مالی پیدا کنید. به طور خلاصه، این کتاب درباره پول دارتر شدن از طریق باهوش‌تر شدن است. این کتاب ضریب هوشی مالی شما را افزایش می‌دهد.

آیا پول می‌تواند شما را ثروتمند کند؟

پاسخ منفی است. پول به تنهایی شما را ثروتمند نمی‌کند. همه ما افرادی را می‌شناسیم که هر روز به محل کار می‌روند و برای کسب درآمد تلاش می‌کنند، اما در نهایت نتوانسته‌اند ثروتمند شوند. جالب این است که بسیاری از این افراد با هر مقدار پولی که به دست می‌آورند، بیشتر در بدهی فرو می‌روند. همه ما داستان‌هایی از برندگان قرعه‌کشی شنیده‌ایم که یک شبه میلیونر شدند و سپس به سرعت دوباره بی‌پول شدند، یا افرادی که ملکی خریده‌اند و به دلیل عدم پرداخت اقساطش، آن ملک را از دست داده‌اند. بنگاه‌های مشاور املاک به جای اینکه به صاحب‌خانه‌ها کمک کنند تا ثروتمندتر شوند و به امنیت مالی برسند، آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون می‌کنند و به فقر می‌کشانند. بسیاری از ما افرادی را می‌شناسیم که در بازار بورس سرمایه‌گذاری کرده و متحمل ضررهای سنگینی شده‌اند. شاید شما هم یکی از آن‌ها باشید. حتی سرمایه‌گذاری در بازار طلا که به عنوان تنها پول واقعی جهان شناخته می‌شود، نیز می‌تواند برای سرمایه‌گذاران گران تمام شود.

طلا نخستین سرمایه‌گذاری واقعی من در اوایل جوانی ام بود. پیش از آنکه به بازار ملک وارد شوم، در بازار طلا سرمایه‌گذاری کردم. در سال ۱۹۷۲ و در سن بیست و پنج سالگی، آن وقت‌ها که قیمت هر اونس طلا تقریباً ۷۰ دلار بود، خرید سکه‌های طلا را آغاز کردم. تا سال ۱۹۸۰، قیمت هر اونس طلا به حدود ۸۰۰ دلار افزایش یافته بود و حس جنون در من به اوج خود رسیده بود. به جای احتیاط، طمع بر من غلبه کرده بود. شایعه شده بود که طلا قرار است به اونس ۲۵۰۰ دلار برسد. سرمایه‌گذاران حریص به قدری تحت تأثیر قرار گرفته بودند که به طور مداوم طلا می‌خریدند، حتی اگر قبلاً هرگز چنین کاری نکرده بودند. من نیز به جای اینکه مقداری از سکه‌های طلا را بفروشم و سودی کسب کنم، با امید به افزایش

قیمت طلا، به خرید ادامه دادیم. حدود یک سال بعد، زمانی که قیمت هر اونس طلا به ۵۰۰ دلار کاهش یافت، سرانجام آخرین سکه طلایم را فروختم. از سال ۱۹۸۰ به بعد، شاهد کاهش مداوم قیمت طلا بودم تا اینکه در سال ۱۹۹۹ به ۲۵۰ دلار و پایین‌ترین حد خود رسید. با اینکه هیچ سودی از سرمایه‌گذاری در طلا به دست نیاوردم، اما درس‌های بسیار مهمی درباره پول از این تجربه آموختم. وقتی متوجه شدم که با سرمایه‌گذاری در طلا که در دنیا به عنوان پول واقعی شناخته می‌شود، در واقع سرمایه‌ام را از دست می‌دهم، فهمیدم که طلا خود ثروت نیست. بلکه اطلاعات و دانش مربوط به آن است که می‌تواند فرد را در نهایت به ثروت برساند یا فقیر کند. به عبارت دیگر، املاک، سهام، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، کسب‌وکارها یا حتی پول به تنهایی نمی‌توانند فردی را ثروتمند کنند. بلکه این آگاهی، درک، مهارت‌های عملی و به اصطلاح هوش مالی هستند که شما را به یک فرد ثروتمند تبدیل می‌کنند.

کلاس گلف یا باشگاه‌های گلف

یکی از دوستانم طرفدار دواتشۀ بازی گلف است. او هر ساله هزاران دلار را صرف عضویت در باشگاه‌های جدید و خرید تجهیزات گلف تازه‌وارد به بازار می‌کند. اما مشکل اینجاست که او حتی یک سکه ده سنتی هم برای شرکت در کلاس‌های گلف هزینه نمی‌کند. به همین خاطر، با این‌که بهترین و جدیدترین تجهیزات گلف را دارد، بازی او همیشه یکنواخت است. اگر او به جای صرف هزینه برای باشگاه‌های جدید، پولش را در کلاس‌های گلف سرمایه‌گذاری می‌کرد و از امکانات سال گذشته‌اش استفاده می‌کرد، به مراتب می‌توانست گلف باز بهتری شود.

این رفتار غیرمنطقی در دنیای پول نیز مشاهده می‌شود. میلیون‌ها نفر، پولی که به سختی به دست آورده‌اند را در دارایی‌هایی مانند سهام و املاک سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما از نظر دانش و اطلاعات مالی تقریباً هیچ سرمایه‌ای ندارند. به همین دلیل، وضعیت مالی آن‌ها تغییر چندانی نمی‌کند.

فرمول جادویی وجود ندارد

این کتاب نه به دنبال ارائه راهی سریع برای ثروتمند شدن است و نه حاوی فرمول‌های جادویی. بلکه بر افزایش هوش مالی و ضریب هوش مالی تمرکز دارد. هرچه هوش مالی شما بیشتر باشد، شانس شما برای ثروتمند شدن نیز افزایش می‌یابد. این کتاب به

پنج نوع هوش مالی اساسی می‌پردازد که برای دستیابی به ثروت، صرف نظر از نوع فعالیت در بازارهای اقتصادی، سهام یا املاک، ضروری هستند.

قوانین جدید پول

این کتاب همچنین به قوانین جدید پول می‌پردازد، قوانینی که در سال ۱۹۷۱ تغییر کردند. به همین دلیل، قوانین قدیمی دیگر کارایی ندارند. یکی از دلایل مشکلات مالی بسیاری از افراد این است که هنوز به قوانین قدیمی مانند سخت‌کوشی، پس‌انداز، اجتناب از قرض و سرمایه‌گذاری درازمدت در مجموعه‌ای از سهام، اوراق قرضه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک پایبند هستند. این کتاب به شما کمک می‌کند تا از قوانین جدید پول بهره‌برداری کنید، اما برای این کار لازم است که هوش مالی و ضریب هوش مالی خود را تقویت کنید. پس از مطالعه این کتاب، بهتر می‌توانید تشخیص دهید که کدام یک از قوانین قدیمی یا جدید پول را باید به کار ببرید.

نبوغ مالی خود را کشف کنید

فصل نهم این کتاب به بررسی چگونگی کشف نبوغ مالی از طریق استفاده هم‌زمان از سه بخش مغز شما می‌پردازد. همان‌طور که می‌دانید، مغز ما شامل بخش راست، چپ و ناخودآگاه است.

یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت بسیاری از افراد در کسب ثروت، قدرت بیشتر ذهن ناخودآگاه نسبت به دو بخش دیگر است. به عنوان مثال، ممکن است فردی اطلاعات خوبی درباره املاک داشته باشد و بداند که باید چه اقداماتی انجام دهد، اما بخش قدرتمند ناخودآگاه او کنترل را به دست می‌گیرد و به او می‌گوید: "این کار خیلی خطرناک است. اگر پولت را از دست بدهی چه؟ اگر اشتباه کنی چه؟" در این حالت، احساس ترس باعث می‌شود که ذهن ناخودآگاه علیه خواسته‌های بخش راست و چپ مغز عمل کند.

به بیان ساده، برای پرورش نبوغ مالی خود، باید ابتدا یاد بگیرید چه کار کنید تا سه بخش مغزتان به جای این که علیه هم کار کنند، باهم هماهنگ باشند. این کتاب روش‌های لازم برای انجام این کار را به شما آموزش می‌دهد.

خلاصه

بسیاری از افراد بر این باورند که برای کسب درآمد، باید هزینه کرد. اما این دیدگاه نادرست است. همواره به یاد داشته باشید که اگر در سرمایه‌گذاری در بازار طلا سرمایه‌تان

را از دست بدهید، ممکن است در سایر زمینه‌ها نیز با همین مشکل مواجه شوید. در واقع، آنچه شما را ثروتمند می‌کند، طلا، سهام، املاک، تلاش یا حتی پول نیست، بلکه دانش و اطلاعات شما درباره این موارد است که به شما کمک می‌کند به ثروت برسید. در نهایت، هوش مالی و ضریب هوش مالی شماست که عامل اصلی ثروتمند شدن شما خواهد بود. لطفاً ادامه مطلب را بخوانید و باهوش‌تر شوید تا به ثروت بیشتری برسید.